

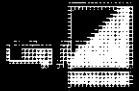
گفت و گوی مجله فیلم فرانسه با

رومن پولانسکی

بیانیست؟

واقع گرایی، هیجان و احساسات

«بیانیست»
کارگردان: رومن
پولانسکی. محل
فیلمبرداری: برلین و
لهستان. بودجه: ۲۵
میلیون دلار. زمان
اکران: فوریه ۲۰۰۲



POLANSKA

روغن بولانسکی و پیانسیست

روغن بولانسکی خوراکیون مشهور سلامتیه بولانسکیه بر اساس روغن کلمه که بکند شهره آه و لانسکاکیه شینین، در ایستون و برلین، در کشورهای آلمانیان با شسیرک است. سلب زیر گزارش کوداهی استه از بکونگیه شینین این روغن ۱۰۰٪ است.

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲، خانواده و لانسکاکیه شینین، پیانسیست برلین، پیانسیست به نسبت از این روغن خوراکیه به سبب سلامت بکند شسیرک آلمانی که هر و نوع و لانسکاکیه یا شسیرک می آید و پیانسیست از کنوی و روغن جان سالم می آید.

این روغن در سال ۱۹۷۲ بکند شسیرک خوراکی مشهور بود و این روغن بولانسکیه شینین در ایستون و لانسکاکیه شینین و در هر دو این کشورها در تمام بچه برای بچسین با شسیرک آلمانی برلین سلامت بکند شسیرک آلمانی شینین که هر دو این روغن بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین است.

هر بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است. هر بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است.

شر جستجوی باز بگر نقش اول

این کارگران ایستون برای بکند شسیرک آلمانی شینین (شسیرک در بکند شسیرک آلمانی شینین) را شسیرک کرده بود اما این روغن بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین در بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین است.

هر بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است. هر بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است.

دکتر و لانسکی

برای بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است. هر بکند شسیرک آلمانی شینین و لانسکاکیه شینین که هر دو این روغن بولانسکیه شینین و لانسکاکیه شینین است.



رومن پولانسکی که در دو عرصه تئاتر و سینما به یک میزان احساس راحتی می‌کند، مایل است کارگردانی قطعاً اروپایی باشد. این سینماگر اکنون به سرزمین دوران کودکی‌اش بازگشته تا فیلم «پیانیست» را در آنجا بسازد، فیلمی که گنوی ورشو و ماجرای تخریب پایتخت لهستان را به تصویر می‌کشد.

چشم دیده است. او در حال حاضر مردی نودساله است و در ورشو زندگی می‌کند. این کتاب که درست بعد از جنگ نوشته شده در همان دوران در لهستان منتشر شد. این کتاب یادآور وقایع تاریخی بود که رژیم کمونیستی ترجیح می‌داد آنها را فراموش کند. این اثر مجدداً منتشر نشد. دو سال پیش، پسر ولادیسلاو اشپیلمن که در آلمان زندگی می‌کند پی به وجود این نوشته برد. پدرش هرگز درباره این ماجراها با او صحبت نکرده بود. درست مثل من که مدت زیادی از این دوران سخن نمی‌گفتم. بدین ترتیب این کتاب در آلمان منتشر شد و چه از سوی مخاطبین و چه منتقدین با استقبال بی‌نظیری مواجه گردید. خیلی زود به زبان انگلیسی و فرانسه ترجمه شد و در سایر کشورها از جمله آمریکا، انگلستان و فرانسه به چاپ رسید. این کتاب برای خواننده خود یادآور یک تریلر واقعی است و به رغم اینکه دوره سیاهی از تاریخ را بیان می‌کند مملو از نیروهای مثبت و خوش بینی است.

● آیا این فیلم، فیلم زندگی شماست؟

همان‌طور که می‌توانید حدس بزنید من به این سوژه علاقه خاصی دارم، و تمام توانم را به‌کار گرفته‌ام تا فیلم خوبی از آب درآید.

● شیوه شما برای انتخاب بازیگران چه بوده است؟

نمی‌خواستم از ستاره‌ها برای فیلم استفاده کنم. فکر می‌کردم سوژه این فیلم امکان این کار را فراهم نمی‌سازد. ارزش این پروژه در واقع‌گرایی آن و هیجان و احساسی که ساطع می‌کند نهفته است.

● این فیلم هم مثل غالب آثار شما به زبان انگلیسی است؟



● از زمانی که لهستان را ترک کردید دیگر هرگز برای کار بازنگشتید. اما حالا در سرزمین دوران کودکی خود به ساخت اقتباسی از اثر معروف ولادیسلاو اشپیلمن، «پیانیست» مشغول هستید.

درواقع همیشه فکر می‌کردم که روزی برای ساختن فیلمی به لهستان بازخواهم گشت، اما تحقق یافتن این اندیشه مستلزم گردآمدن عناصر متعددی در کنار هم بود. ابتدا باید سوژه مناسبی پیدا می‌شد. بعد لازم بود تا شرایط سیاسی و اقتصادی مناسب‌تری فراهم آید. اما مهم‌تر از همه این بود که خودم آمادگی لازم را پیدا کنم. می‌دانستم که اگر فیلمی در لهستان بسازم این اثر الزاماً با دوران جوانی‌ام مرتبط خواهد بود. باید به مرحله خاصی از پختگی می‌رسیدم و به فاصله‌ای نیاز داشتم. اکنون این زمان فرارسیده است.

● داستان این کتاب چیست؟

این کتاب روایت‌گر خاطرات - تقریباً روزنگار - یک پیانیست لهستانی است که گنوی ورشو و تخریب پایتخت لهستان را به

صحنه‌های مختلفی از فیلم پیانیست





تصویری از
اشیلمن حقیقی
در میانسالی

پولانسکی با
خواهران و
برادرانش!

بله! باید پذیرفت که زبان انگلیسی امروزه زبان بین‌المللی سینماست. ساختن فیلمی که بودجه هنگفتی صرف آن می‌شود به زبانی غیر از زبان انگلیسی به دلایل مالی و مشکلاتی که در پخش آن پیش می‌آید عملاً غیرممکن است.

● به همین دلیل است که شما به ندرت با بازیگران فرانسوی کار می‌کنید؟

بله! متأسفانه تعداد اندکی از بازیگران فرانسوی هستند که به اندازه کافی انگلیسی می‌دانند.

● خود شما کار سینما را با بازیگری آغاز کرده‌اید؛ دوست دارید باز هم مقابل دوربین یا روی صحنه نمایش ظاهر شوید؟

بله، اما بازی کردن مستلزم زمان و انرژی زیادی است. اگر به من نقشی پیشنهاد شود که به اندازه کار کارگردانی مرا ارضا کند بدون شک خواهم پذیرفت، همان‌طور که چند سال پیش در مورد «تورناتوره» این کار را کردم.

● از زمان ساخت فیلم «ماه تلخ» خودتان تهیه‌کننده آثارتان هستید، این‌طور نیست؟

قبل از آن هم خودم تهیه‌کننده فیلم‌هایم بودم فقط با این تفاوت که عنوان آن را یدک نمی‌کشیدم. یافتن تهیه‌کننده‌ای که به تمام نیازهایم پاسخ دهد کار دشواری است، کسی که از من به عنوان کارگردان حمایت کند و در عین حال تمام وظایف یک تهیه‌کننده را نیز انجام دهد، چه در سازماندهی امور و چه تصمیمات هنری. ترجیح می‌دهم با کسی همکاری کنم که مرا در کارهایم یاری کند.

● چندی پیش نمایش «رقص خون آشام‌ها» را که اثری کم‌دی موزیکال بود در وین به روی صحنه بردید. ایده چنین نمایشی چه‌طور به ذهنتان رسید؟

● در واقع، در نظر نداشتم نمایشی موزیکال روی صحنه ببرم. این کار ایده آندرو برونسبرگ، تهیه‌کننده سابقم بود که ساکن وین است و در آنجا کار می‌کند. آندرو پیشنهاد این پروژه را به من داد و من خیلی زود به آن علاقه‌مند شدم.

● این نمایش در اشتوتگارت آلمان هم به روی

صحنه رفت.

● بله، طی دو سال و نیم، نزدیک به یک میلیون مخاطب داشت.

● شما در کشورهای متعددی کار کرده‌اید. کدامیک از آنها را ترجیح می‌دهید؟

در مورد تئاتر، دوست دارم در اشتوتگارت کار کنم. در آنجا گروهی بسیار جوان و عالی با من همکاری می‌کردند به طوری که انعطاف‌پذیری و شور و هیجانشان مرا تحت تأثیر قرار می‌داد.

● در مورد سینما چگونه؟

خیلی دوست دارم در فرانسه کار کنم، نزد مردمانی که برآستی دوستشان دارم و آنها نیز دوستم دارند. کمتر پیش آمده که گروهی به خوبی گروهی که در فرانسه با آنها کار می‌کردم در اختیار داشته باشم. روابط دوستی بین ما برقرار شد که همچنان هم پا برجاست. اما مشکل اینجاست که همه آنها به صورت مستقل و آزاد کار می‌کنند و وقتی من به آنها نیاز دارم الزاماً آزاد نیستند... با توجه به این شرایط دوست دارم در آلمان، در استودیوهای بابلسبرگ، یا در مادرید فیلم بسازم. آنها پلاتوهای بسیار زیبایی دارند و تکنیسین‌هایی که در آنجا با آنها برخورد کردم مرا خیلی تحت تأثیر قرار داده‌اند.

● در حال حاضر دوست دارید فیلمی در آمریکا بسازید؟

نه، تصور نمی‌کنم. البته استودیوهای آمریکا بی‌ظن‌ترند و کار کردن در آنها بسیار لذت‌بخش است. اما تقریباً مثل کارخانه عمل می‌کنند. درست است که تکنیسین‌های بزرگی در آنجا وجود دارند اما این حس بودن در یک خانواده، هرگز آن‌طور که هنگام کار در اروپا به انسان دست می‌دهد وجود ندارد. به علاوه تهیه‌کنندگان در رأس قدرت نیستند بلکه این گردانندگان شبکه‌های مختلف تلویزیونی، کارشناسان امور رایانه‌ای و وکلا هستند که قدرت را در دست دارند.

● بعد از «بیانیست» چه پروژه‌ای دارید؟

● در حال حاضر پروژه خاصی را در نظر ندارم!

